

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

هشتم جون 2013

تصویر تو

با تصویر تو که لبخند ظاهرگونه ای داری، کنار آبشار صاف هستی رفتم تا فریادم را جنون آسا در دل آبی بیبکاش به امانت دهم و ضمیر غمبارم را یکبار دگر بدست معجزه عشق بسپارم.

یادم از نگاه تو آمد، یادم از زمزمه بیرنگ صدای تو آمد، یادم آمد که چگونه مرا در توصیفگاه دل و دیده و زبانت، به دست هجوم والاترین واژه های زیبای تعریف میسپردی و شکستن ستونهای وعده و وفایت را دور از هر نوع امکان، میگفتی.

یادم آمد زمانی که کبوتر نگاهت آهنگ آخرین پرواز مینمود، شاخه دلم میشکست. همه خاطره ها و یادها، یادم آمد. از ملالت و درد لبریز شدم و در انتظار بارش تندی از کرانه های ابرآلود چشمانم، قلب خشکیده ام تپیدن گرفت. آه! گریستم.

بعد سالها گریستم و صدایم در دهکده ویران دلم پیچید و باز یاد دیگری، ماندگار گذاشت.

(ناهید "غزل" غنی زاده - 15 جولای 2012)